

عنوان مقاله:

نقد فردگرایی روش شناختی در اقتصاد نئوکلاسیک از دیدگاه رئالیسم انتقادی

محل انتشار:

فصلنامه روش شناسی علوم انسانی، دوره 29، شماره 116 (سال: 1402)

تعداد صفحات اصل مقاله: 17

نویسنده:

سید محمدرضا امیری طهرانی - دانشیار پژوهشکده اقتصاد پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

خلاصه مقاله:

سیطره مکتب اقتصادی نئوکلاسیک بر برنامه های آموزشی و پژوهشی رشته اقتصاد در دانشکده های جهان و ایران، اهمیت نقد و تحلیل مبانی فلسفی آن را دوچندان می کند. در واری فلسفه اقتصاد نئوکلاسیک، آموزه فردگرایی روش شناختی از جایگاه برجسته ای برخوردار است؛ زیرا در هستی شناسی ضمنی اقتصاد نئوکلاسیک و بنابر مغالطه معرفتی نهفته در رویکرد پوزیتیویستی آن، ویژگی های هستی شناختی به امور روش شناختی فروکاسته می شود. ازاینرو، تحلیل فردگرایی روش شناختی، مدخل مطالعه فلسفه اقتصاد نئوکلاسیک به شمار می رود. این مقاله می کوشد فردگرایی روش شناختی را از دیدگاه واقع گرایی انتقادی با روش تحلیلی نقد و ارزیابی کند. این نقد و تحلیل از آنرو از منظر واقع گرایی انتقادی انجام می شود که با پوزیتیویسم در نگاه رئالیستی به جهان اشتراک دارد. نقد واقع گرایی انتقادی از فردگرایی روش شناختی اقتصاد نئوکلاسیک بر تحلیل مفاهیم فرمالیسم، قیاس گرایی، اتمیسم اجتماعی، انسداد و تقلیل گرایی استوار است. واقع گرایی انتقادی بر این باور است که علم اقتصاد نئوکلاسیک به دلیل مفروضات غیرواقعی فردگرایی روش شناختی، به علمی انتزاعی و قیاسی همچون ریاضیات تبدیل شده که توان توضیحی اندکی دارد.

کلمات کلیدی:

فردگرایی روش شناختی، اقتصاد نئوکلاسیک، رئالیسم انتقادی، فرمالیسم، اتمیسم اجتماعی، تقلیل گرایی و قیاس گرایی

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1965845>

